

بررسی نابرابری درآمدی و رفاه اجتماعی روستایی

محمدحسین امجدی*، محمدرضا وحیدی و مهرداد محمدی سلیمانی

سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمان

چکیده. پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به دو سوال است. سوال اول این است که وضعیت رفاهی مناطق روستایی کشور در سال‌های اخیر چگونه بوده است؟ و سوال دوم اینکه با توجه به متفاوت بودن سطح جمعیت، بهره‌مندی از زیرساخت‌های رشد و سایر عوامل تاثیرگذار بر عدم تعادل‌های منطقه‌ای و جغرافیایی، کدامیک از مناطق روستایی استان‌های کشور دارای درجه رفاهی بالاتری می‌باشند و کدامیک سطح رفاهی کمتری دارند؟ پاسخ به این سوال‌ها می‌تواند از نظر علمی الگوی سیاستگذاری مناسبی در زمینه تخصیص و توزیع منابع، امکانات و فرصت‌ها در اختیار سیاستگذاران بخش عمومی کشور برای رفع عدم تعادل‌های ایجادشده در مناطق روستایی قرار دهد. در این پژوهش با استفاده از داده‌های درآمد- هزینه خانوار روستایی مرکز آمار طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ روند تغییرات شاخص‌های متوسط هزینه واقعی، ضریب جینی و نهایتاً رفاه اجتماعی خانوارهای روستایی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. بر اساس نتایج، هزینه واقعی خانوار روستایی کشور طی دوره مورد بررسی کاهش یافته است. همچنین در همین دوره، ضریب جینی خانوار روستایی نیز افزایش پیدا کرده که حکایت از بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد دارد. در ادامه رفاه اجتماعی بر اساس شاخص سن برای مناطق روستایی کشور و استان‌ها محاسبه شد. بر این اساس شاخص رفاه اجتماعی سن نیز طی این مدت کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته است، هر چند در دو سال اخیر بهبود اندکی داشته است. بر این اساس تأکید بر تدوین برنامه جامع کاهش فقر به جای برنامه‌های جزیره‌ای با اولویت مناطق روستایی مرزی، تمرکز بر سیاست‌های کلان رشدگرا در کنار توانمندسازی، کنترل تورم، ایجاد اشتغال مولد، بهبود فضای کسب و کار و مهارت‌آموزی

* نویسنده‌ی عهده‌دار مکاتبات
دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵، پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱۰.

از جمله راهکارهای پیشنهادی است که به منظور کاهش نابرابری و ارتقای رفاه می‌بایست در دستور کار سیاست‌گذاران و مدیران قرار گیرد.

واژه‌گان کلیدی: نابرابری، ضریب جینی، شاخص رفاه اجتماعی سن، مناطق روستایی.

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین هدف‌های هر جامعه‌ای، افزایش رفاه اقتصادی است که توزیع عادلانه درآمد یک بعد مهم آن را شامل می‌شود. بسیاری از کشورهای جهان سوم که در دهه ۱۹۶۰ در مقایسه با پیشینه تاریخی، نرخ‌های رشد زیادی را تجربه کرده بودند، به تدریج دریافتند که چنین رشدی فایده بسیار کمی برای مردم فقیرشان داشته و تضاد طبقاتی در کشورشان افزایش پیدا کرده است [۵]. تلاش‌های زیادی برای حل این مشکل انجام گرفته و در این راستا روش‌های مختلفی به صورت نظری و عملی استفاده شده است. بنابر برخی از نظریه‌های اقتصادی، توزیع نابرابر درآمد یکی از شرط‌های اصلی رشد اقتصادی بوده و دلیلشان هم این است که نیازهای قشر ضعیف اجتماع اشباع شدنی نیست و چنانچه توزیع درآمد برابر باشد، قشر کم درآمد تمامی درآمد خود را صرف خرید کالا می‌کنند، در صورتی که قشر مرفه نیازهای اولیه خود را برطرف کرده و مازاد درآمدشان را پس انداز می‌کنند. چنانچه توزیع درآمد نابرابر باشد، رشد اقتصادی تسریع می‌شود؛ اما مخالفان این نظریه می‌گویند که تجربه در کشورهای توسعه نیافته نشان داده است که ثروتمندان این جوامع اضافه درآمد خود را به جای پس انداز کردن، صرف خرید کالاهای تجملاتی و لوکس می‌کنند. درآمد کم فقیران باعث ضعف جسمانی و کاهش بهره‌وری کاری ایشان می‌شود و این خود باعث کاهش میزان تولید و در نتیجه کاهش درآمد ملی می‌شود. همچنین افزایش درآمد تهیدستان باعث افزایش تقاضا برای کالاهای ضروری ساخت داخل شده که این امر به نوبه خود باعث افزایش اشتغال و تولید می‌شود و توزیع برابر درآمد باعث افزایش انگیزه‌های روانی مردم برای مشارکت در توسعه اقتصادی می‌شود. امروزه بهبود در توزیع درآمد، مبارزه با فقر و افزایش رفاه جزء هدف‌های عمده استراتژی توسعه اقتصادی و اجتماعی و از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها محسوب می‌شود [۲].

وجود نابرابری‌های گسترده در توزیع درآمد به بروز فقر و افزایش آن و ایجاد شکاف بیشتر

در طبقات جامعه منجر می شود. پدیده نابرابری درآمد نه تنها از دلایل عمده فقر است بلکه از عوامل کاهنده رشد اقتصادی نیز محسوب می گردد. از این رو، بهبود توزیع درآمد یکی از مهمترین اهداف و دغدغه های سیاستگذاران، برنامه ریزان و بودجه ریزان کشور است که به این مهم در ماده ۳ قانون برنامه ششم توسعه کشور که هدف دستیابی به ضریب جینی ۰/۳۴ در سال پایانی برنامه است، اشاره شده است. همچنین، «کاهش خانوارهای مواجه با هزینه های کمرشکن»، «مشارکت عادلانه در تأمین منابع مالی» و «پایداری منابع» به عنوان اهداف اساسی در حوزه «توزیع درآمد» در قانون برنامه ششم توسعه کشور مد نظر قرار گرفته است [۸].

نخستین گام در مسیر برنامه ریزی کاهش نابرابری و توزیع عادلانه درآمد، شناخت صحیح و آگاهی از وضعیت نابرابری است. اندازه گیری و شناخت نابرابری از جنبه بررسی چگونگی تغییرات شدت نابرابری در زمان ها و مکان های مختلف از اهمیت خاصی برخوردار است. از آنجاکه براساس اغلب پژوهش های انجام شده، نواحی روستایی کشورهای درحال توسعه از جمله ایران در قیاس با مناطق شهری از لحاظ بیشتر شاخص های رفاهی (درآمد، مسکن، اشتغال، آموزش، مشارکت، دسترسی ها و جز آن) ضعیف ترند، توجه به ارزیابی شاخص های رفاه اجتماعی در روستاهای کشور، اهمیت زیادی دارد. آگاهی از چگونگی وضعیت نابرابری در مناطق روستایی کشور و همچنین استان های مختلف از اولویت های مهم به منظور سیاست گذاری های لازم در زمینه توسعه روستایی در جهات مختلف است.

ایران کشور پهناوری است و سطح توسعه یافتگی در استان ها کشور متفاوت است؛ به عبارتی متوسط درآمد و هزینه خانوار برخی استان ها بسیار زیاد و برخی اندک است. از طرفی الگوی سیاستی و تابع رفاه اجتماعی کشور به گونه ای بوده که برخی استان ها از نظر زیرساخت های لازم برای رشد، بهره مندتر از سایر استان ها می باشند. از این رو، توسعه و زیرساخت های آن در نواحی جغرافیایی کشور، تفاوت شدیدی را در روند توسعه مناطق آشکار کرده است و از آنجایی که اهداف کلی برنامه ریزی منطقه ای یا توسعه اقتصادی، برقراری رفاه اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت در بین مردم جامعه است، برای دستیابی به هدف های فوق در هر جامعه ای نیاز به شناخت میزان نابرابری درآمد و میزان رفاه اجتماعی ضروری است. نقطه شروع توجه به توسعه، می تواند شناخت میزان نابرابری درآمد و رفاه آن ها با استفاده از روش های مختلف اندازه گیری سطح رفاه باشد. بنابراین

سوال اول این است که وضعیت رفاهی مناطق روستایی کشور در سال‌های اخیر چگونه بوده است؟ سوال دوم نیز این است که با توجه به متفاوت بودن سطح جمعیت، بهره‌مندی از زیرساخت‌های رشد و سایر عوامل تاثیرگذار بر عدم تعادل‌های منطقه‌ای و جغرافیایی، نقاط روستایی کدامیک از استان‌های کشور دارای درجه رفاهی بالاتری می‌باشند و کدامیک سطح رفاهی کمتری دارند؟ پاسخ علمی به این سوال می‌تواند از نظر علمی الگوی سیاستگذاری مناسبی در زمینه تخصیص و توزیع منابع، امکانات و فرصت‌ها در اختیار سیاستگذاران بخش عمومی کشور برای رفع عدم تعادل‌های ایجاد شده قرار دهد.

۲- مبانی و چارچوب نظری

رفاه اجتماعی^۱ عبارت است از مجموعه‌ی سازمان یافته‌ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می‌شود تا زمینه‌ی رشد و تعالی او را فراهم آورد [۴]. رفاه بیانگر قدرت خرید و توانایی در کسب تسهیلات و امکانات زندگی است [۷]. به اعتقاد تیلور (۲۰۰۷) بسیاری از نظریه پردازان اجتماعی و سیاسی آگاهند که رفاه اجتماعی از عوامل به هم مرتبط فراوانی تشکیل می‌شود [۱۷]. بی‌شک رفاه چیزی بیش از انباشت ثروت مادی است؛ و شادمانی و رضایت از زندگی و امید به داشتن زندگی بهتر در آینده را نیز دربرمی‌گیرد. بنابراین، احساس سلامت، امنیت، آرامش و اطمینان بیشتر افراد جامعه نیز از ویژگی‌های مهم رفاه اجتماعی است [۱۴].

فیتزپتریک^۲ (۱۳۸۳) در تعریف سیاست اجتماعی از تعبیر دو سوی "رفاه/عدم رفاه" استفاده می‌کند؛ به این صورت که سیاست اجتماعی را روندی می‌داند که از طریق آن، رفاه یا بهزیستی، به حداکثر و عدم رفاه به حداقل می‌رسد. راولز^۳ معتقد است که رفاه اجتماعی ناشی از سرریزهای عدالت اجتماعی است و هاروی^۴ و اسمیت^۵ نیز معتقدند که هنگامی عدالت اجتماعی تحقق می‌یابد که عدالت افقی منطقه‌ای تحقق یابد. (شکل ۱). این مدل نشان می‌دهد که رابطه‌ی رفاه اجتماعی و عدالت اجتماعی را جان راولز مطرح می‌کند و هاروی و اسمیت نیز به رابطه‌ی عدالت منطقه‌ای و عدالت اجتماعی می‌پردازند [۴].



شکل ۱- مدل مفهومی هاروی و راولز در تعادل منطقه ای

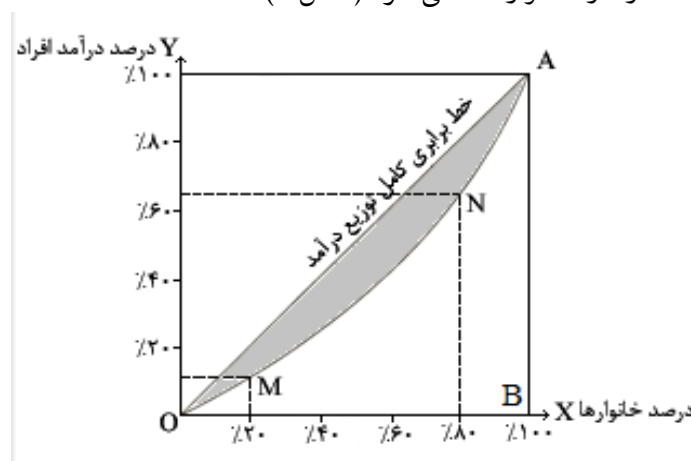
بعد از عنوان شدن طرح کاهش فقر در جهان، چگونگی توزیع درآمد بیشتر از قبل مورد توجه قرار گرفت، زیرا در دنیای امروز بزرگترین عامل ایجاد کننده فقر نه کمبود درآمد بلکه توزیع ناعادلانه آن است. در تعریف عامیانه توزیع عادلانه و ناعادلانه درآمد می توان گفت: "در صورتی که یک فرد در جامعه تمامی درآمد را در اختیار داشته باشد توزیع درآمد ناعادلانه ترین وضع ممکن است و زمانی که تمامی افراد به یک نسبت از کل درآمد جامعه بهره مند شوند عادلانه ترین حالت وجود دارد." امروزه سخن مطرح شده در جهان یکسان بودن سهم تمامی گروه ها از درآمد کشور نیست بلکه مساله مهم توزیع عادلانه بر مبنای توانایی های افراد مختلف است که می تواند به ایجاد توازن و تعادل بیشتر در جامعه بیانجامد. بر اساس گزارش بانک جهانی (۲۰۱۸) از آغاز هزاره جدید گام های مهمی در کاهش فقر و احیای رشد برداشته شده است اما در بسیاری از کشورها دغدغه و نگرانی ها در مورد رفاه همچنان پابرجاست به طوریکه فقر شدید در قاره آفریقا در حال افزایش است و نیجریه پایتخت فقر جهان است [۱۸]. آدبووال و چاکس^۶ (۲۰۲۰) معتقدند باوجود اینکه اکثر کشورهای این منطقه یکی از سریع ترین رشد تولید ناخالص داخلی جهان را در دوران اخیر ثبت کرده اند، این وضعیت نشان می دهد که افزایش رشد لزوماً به معنای بهبود رفاه نیست [۱۳].

رفاه اجتماعی می تواند به عنوان یکی از مهمترین اهداف برنامه ریزی، معیاری برای سنجش شرایط توسعه یک کشور باشد که آیا مناطق مختلف دارای رشد متعادلی هستند یا خیر؟ طبق موازین علمی تقسیم درآمد در یک کشور باید به نحوی باشد که سهم بیشتری از مردم در طبقه متوسط جای بگیرند. در یک جامعه متعادل شمار ثروتمندان و فقیران در کشور بسیار کم است زیرا وجود گروه های بسیار پردرآمد یا بسیار کم درآمد نشان دهنده توزیع نامتناسب درآمد در آن منطقه است. برای محاسبه میزان برابری در توزیع درآمد از سهم درآمدی که هر یک از گروه های جامعه بدست می آورند استفاده می شود. اگر فاصله بین درآمدی که ده درصد پایینترین گروه جامعه بدست می آورند با درآمد ده درصد از

بالاترین افراد، تفاوت زیادی داشته باشد نشان دهنده توزیع ناعادلانه درآمد در یک سرزمین است.

۳- شاخص‌های نابرابری

توزیع عادلانه درآمد همواره از مهمترین مباحث در اقتصاد کشورهای مختلف جهان است. شاخص‌های نابرابری، معیاری برای ارزیابی عملکرد اقتصادی کشورها در خصوص توزیع درآمد محسوب می‌شود. ضریب جینی^۷ مشهورترین شاخص نابرابری توزیع درآمد و متداول‌ترین آن‌ها از نظر استفاده در بررسی توزیع درآمد است و ارتباط تنگاتنگی با منحنی لورنز^۸ دارد [۱۵]. از همین رو این شاخص بیش‌تر از هر شاخص دیگری در معرض پذیرش و رد قرار گرفته و محتوا و ویژگی‌های مثبت و منفی آن بررسی و مطرح شده است. ابتدا ماکس لورنز^۹ مفهوم منحنی لورنز را طرح نمود و درست چند سال بعد یعنی در سال ۱۹۱۴ کورادو جینی^{۱۰} آماردان ایتالیایی مفهوم ضریب جینی را مطرح کرد. با این حال به کارگیری این مفاهیم در ادبیات مربوط به فقر و نابرابری درآمدی توسط اقتصاددانان آمریکایی تونی اتکینسون^{۱۱} در اوایل دهه ۱۹۷۰ صورت گرفته است. برای ترسیم منحنی لورنز بر روی محور افقی فراوانی تجمعی نسبی گروه‌های جمعیتی (مثلاً دهک‌های جمعیتی) و بر روی محور عمودی نیز فراوانی تجمعی نسبی سهم هر یک از این دهک‌ها از درآمد قرار داده می‌شود (شکل ۲).



شکل ۲- منحنی لورنز

خط OA ، خط ۴۵ درجه است که نمایش هندسی خط برابری کامل توزیع درآمد را نشان می دهد. به عبارت دیگر در این حالت تمام افراد در اقتصاد سهم یکسانی از درآمد خواهند داشت. اما حالت واقعی تر زمانی است که منحنی لورنز به سمت محور افقی تحدب پیدا می کند. ضریب جینی نیز به کمک همین منحنی استخراج می شود. ضریب جینی نسبت مساحت قسمت تیره به مساحت مثلث OAB است. با توجه به رابطه فوق، ضریب جینی عددی بین ۰ و ۱ اختیار می کند که صفر به معنای برابری کامل و ضریب جینی ۱ نیز به معنای نابرابری کامل خواهد بود. به عبارت دیگر هر چه ضریب جینی به عدد ۱ نزدیک تر باشد به معنای آن است که توزیع درآمد در آن اقتصاد نابرابرتر است.

چون بیشتر یا کمتر شدن ضریب جینی به تنهایی نمی تواند وضعیت توزیع درآمد در جامعه را نشان دهد، بنابراین برای محاسبه میزان برابری در توزیع درآمد، سهم درآمدی هر یک از گروه های جامعه نیز محاسبه می شود. اگر فاصله بین درآمدی که ده، بیست و چهل درصد پایین ترین گروه جامعه با درآمد ده، بیست و چهل درصد از پردرآمدترین افراد، تفاوت زیادی داشته باشد نشان دهنده توزیع ناعادلانه درآمد در یک سرزمین است. در حوزه توزیع درآمد شاخص های دیگری همچون شاخص تایل^{۱۲}، اتکینسون^{۱۳} و پالما^{۱۴} نیز برای تبیین بهتر وضعیت پردرآمدها و کم درآمدها وجود دارد که در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴- شاخص تایل

شاخص تایل، بر مفهوم آنتروپی استوار است. این شاخص بین صفر و $\ln N$ تغییر می کند. مقدار صفر حالت برابری کامل و $\ln N$ نابرابری کامل است. انتقال درآمد از یک فرد ثروتمند به یک فرد فقیر شاخص تیل را کاهش می دهد. $GE(1)$ معرف شاخص تیل است که از فرمول زیر محاسبه می شود:

$$GE(X) = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^N \frac{y_i}{\bar{y}} \ln \left(\frac{y_i}{\bar{y}} \right)$$

که در آن N تعداد خانوارها، y_i درآمد خانوار i ام و $\bar{y}$ میانگین درآمد کل خانوارها است. مزیت این معیار نسبت به ضریب جینی آن است که به خانوارهای فقیر وزن بیشتری اختصاص می دهد.

۵- شاخص‌های نابرابری اتکینسون

اتکینسون یکی دیگر از معیارهای نابرابری را ارائه داده است، که در آن پارامتر وزنی ε (میزان اجتناب از نابرابری) می باشد و هر چه میزان اجتناب از نابرابری بیشتر باشد، میزان نابرابری محاسبه شده برای توزیع معین درآمد بیشتر است. به عبارتی ε میزانی است که جامعه به نابرابری اهمیت می دهد. معیارهای نابرابری اتکینسون به روش زیر محاسبه می شود:

$$A_{\varepsilon} = 1 - \left[\frac{1}{N} \sum_{i=1}^N \left(\frac{y_i}{\bar{y}} \right)^{1-\varepsilon} \right]^{\frac{1}{1-\varepsilon}}, \quad \varepsilon \neq 1$$

$$A_{\varepsilon} = 1 - \frac{\prod_{i=1}^N y_i \left(\frac{1}{N} \right)}{\bar{y}}, \quad \varepsilon = 1$$

که در آن N تعداد خانوارها، y_i درآمد خانوار i ام، $\bar{y}$ میانگین درآمد کل خانوارها و ε پارامتر اجتناب از نابرابری است ($0 < \varepsilon < \infty$). در نتیجه هر چه مقدار ε بیشتر باشد جامعه نسبت به نابرابری نگرانی بیشتری دارد. اگر $A=0$ باشد برابری کامل و هنگامی که $A=1$ باشد نابرابری کامل است. دامنه تغییرات این معیار بین صفر و یک می باشد [۹].

۶- شاخص پالما

مفهوم آن نسبت ده درصد پردرآمدترین جمعیت به چهل درصد کم درآمدترین جمعیت است و گویای آن است که وضعیت پردرآمدترین دهک جمعیت نسبت به ۴ دهک کم درآمدترین جمعیت تغییر نموده است.

۷- شاخص رفاه اجتماعی سن (Sen)

به منظور کمی و محاسبه پذیر شدن، رفاه را مترادف با بهره مندی یا مطلوبیت در نظر می گیرند. بر این اساس، رفاه اجتماعی که در قالب تابع رفاه اجتماعی نمایش داده می شود، برابر با مجموعه رفاه افراد جامعه خواهد بود. در ادبیات توابع رفاه اجتماعی، معیارهای

متنوعی مطرح شده است. یکی از توابع معروف در این زمینه، تابع رفاه اجتماعی سن^{۱۵} است. این تابع نیز همانند اکثر توابع موجود، به صورت تابعی از مطلوبیت های افراد جامعه است که در آن میزان رفاه $S(X)$ تابعی از مطلوبیت برای هر فرد (x_i) متعلق به جامعه (X) است:

$$S(X): S(u(x_1), u(x_2), \dots, u(x_n))$$

که در آن n تعداد افراد جامعه است. با فرض یکسان بودن تابع مطلوبیت کلیه افراد جامعه، رابطه قبلی را می توان به صورت رابطه زیر نشان داد. به این ترتیب تابع رفاه اجتماعی برابر با مجموع مطلوبیت های افراد جامعه خواهد بود:

$$S(X) = \int_1^n u(x) dx$$

سن شاخص رفاه اجتماعی خود را به شکلی دیگر نیز نشان داده است:

$$S(X) = \sum_{i=1}^n x_i v_i(x)$$

که در آن x_i درآمد فرد i ام و $v_i(x)$ وزنی است که x_i به خود می گیرد. وی با فرض برابری وزنی و یکنواختی مستقل و اطلاعات رتبه ای، شاخص خود را به صورت رابطه زیر نشان می دهد:

$$S = \bar{y}(1 - G)$$

که در آن S شاخص سن و G ضریب جینی و $\bar{y}$ میانگین درآمد است. ضریب جینی در تابع رفاه اجتماعی نقش تأثیرات اندازه نابرابری در جامعه را بر رفاه اجتماعی اندازه گیری می کند [۳]. در حال، شاخص سن یکی از بهترین ابزارهای اندازه گیری رفاه بوده که در بسیاری از مطالعات مرتبط به کار رفته است. با وجود مهم بودن بررسی وضعیت رفاهی خانوارها، این بررسی ها را می توان یاری رسان سیاست های اقتصادی دانست.

۸- پیشینه پژوهش

مالکینا^{۱۶} (۲۰۱۷) در مقاله خود با استفاده شاخص سن، رفاه اجتماعی در روسیه را طی دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج نشان می دهد نابرابری منطقه

ای در رفاه در ۱۱ سال گذشته حدود ۴۳ درصد کاهش یافته است [۱۶]. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله ای با استفاده از ریزداده‌های طرح هزینه-درآمد خانوار، نابرابری درآمدی را میان استان‌های ایران به تفکیک مناطق شهری و روستایی، طی اجرای پنج برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اندازه‌گیری کرده اند. بر اساس نتایج، شاخص‌های نابرابری طی دوره ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۴ بطور نوسانی تغییر کرده‌اند اما بطور کلی دارای روند نزولی هستند که حکایت از بهبود توزیع درآمد در هر دو جامعه شهری و روستایی دارد. همچنین در حالی‌که برنامه دوم توسعه توفیق کمتری در کاهش شاخص‌های نابرابری داشته، برنامه پنجم توسعه موفق‌ترین برنامه در این زمینه بوده است. محاسبه شاخص رفاه سن نشان می‌دهد که در دوره دهه ساله اخیر، پایین بودن شاخص‌های نابرابری منجر به افزایش رفاه خانوارها نشده است. دلیل آن تغییرات شاخص بهای کالا و خدمات شهری و روستایی و رشد منفی متوسط هزینه‌های خانوار بدلیل تحمیل هزینه‌های سنگین بر اقتصاد کشور است که متأسفانه آثار آن در وضعیت رفاه خانوارهای شهری و روستایی نمود پیدا کرده و موجب فقیرتر شدن بخش بیشتری از مردم جامعه شده است. از این رو در تفسیر ضرایب نابرابری باید با در نظر گرفتن تمامی جوانب اقدام به تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در مورد آن نمود [۱]. مهدویان و اسفندیاری (۱۳۹۷) در پژوهش خود ضمن محاسبه شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد مناطق روستایی استان‌های ایران طی سال‌های ۹۴-۱۳۸۵ پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های توزیع درآمد پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها کاهش یافته، ولیکن با گذر زمان مجدداً روندی افزایشی را آغاز نموده است که خود دلیلی بر عدم موفقیت سیاست پرداخت نقدی یارانه‌ها در برقراری عدالت اجتماعی و توزیعی اقشار آسیب‌پذیر جامعه است [۱۱]. میرزائیان و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به تعیین اثربخشی مؤلفه‌های اقتصادی در رفاه خانوارهای روستایی پرداخته اند. روش تحقیق پیمایشی و ابزارگردآوری داده‌ها پرسشنامه است. جامعه آماری تحقیق، کل سرپرستان خانوارهای روستایی بخش مرکزی اسلام‌آباد غرب است که شامل ۴۲۶۵ خانوار بوده است. نتایج بررسی‌های صورت گرفته در این مقاله نشان می‌دهد مؤلفه‌های اقتصادی در روستای قلعه شیان با میزان ۰/۹۹۹۷ رتبه یک و در روستای چنگر جلیلوند با میزان ۰/۸۳۳۴ رتبه آخر را دارد و این نشان از وجود نابرابری‌ها در بخش شاخص‌های اقتصادی مورد مطالعه در بین نواحی روستایی است [۱۲]. علیزاده و همکاران (۱۴۰۱)

در مقاله خود به شناسایی و تعیین عوامل مؤثر بر شاخص رفاه اجتماعی سن در اقتصاد ایران و با استفاده از رویکرد میانگین‌گیری بیزین بر اساس داده‌های سری زمانی از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۷ و در شرایط نااطمینانی مدل پرداخته اند که با انجام محاسبات حاصل از برآورد ۲۶۰ هزار رگرسیون، تعداد ۸ متغیر به عنوان متغیرهای قوی و غیرشکننده مشخص شدند؛ که شامل متغیرهای (نرخ ارز، شاخص فلاکت، درآمدهای مالیاتی، درآمدهای نفتی) با علامت منفی و متغیرهای (نرخ رشد شهرنشینی، درجه باز بودن اقتصاد، شاخص‌های سلامت و فناوری اطلاعات و ارتباطات) با علامت مثبت می‌باشد [۶].

۹- روش‌شناسی و داده‌های تحقیق

در این مقاله با استفاده از روش اسنادی و به کارگیری داده‌های درآمد- هزینه خانوار مرکز آمار در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ روند تغییرات شاخص‌های متوسط هزینه واقعی، ضریب جینی و نهایتاً رفاه اجتماعی خانوارهای روستایی کشور و استان‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. ذکر این نکته ضروری است که با توجه به تعاریف و شاخص‌های ارائه شده از نابرابری و رفاه، در این مقاله به بررسی بعد مادی آن‌ها پرداخته می‌شود و بعد اجتماعی و بعد فرهنگی نابرابری که جامعه‌شناسان مطرح می‌کنند، مد نظر نیست. برای این منظور ابتدا باید متغیری که منعکس کننده دسترسی خانوار یا فرد به منابع است، را تعریف کرد. برای این منظور می‌توان از درآمد و یا هزینه مصرفی خانوار استفاده کرد. اما به دلایلی چند استفاده از هزینه مصرفی بر درآمد ارجح است. از جمله این دلایل می‌توان به دو مورد زیر اشاره کرد:

الف- خانوارها معمولاً درآمد خود را دقیق اعلام نمی‌کنند، درحالی که از حاصل جمع پولی خرید کالاهای مختلف خانوار (هزینه‌های مصرفی)، می‌توان به تقریب خوبی از درآمد واقعی خانوار رسید. علاوه بر این در مناطق روستایی، خانوارها از محل تولید خود نیز مصرف می‌نمایند و یا مبادله کالا به کالا انجام می‌دهند و این مساله در درآمد فرد منعکس نمی‌شود. البته تخمین مصرف و مقدار پولی تمام کالاهای مصرفی خانوار نیز دشوار است، اما در صورت تخمین مناسب، هزینه‌های مصرفی، متغیر بهتری نسبت به درآمد است.

ب- هزینه های مصرفی دارای نوسانات کمتری نسبت به درآمد است. به عنوان مثال افرادی چون کشاورزان در مناطق روستایی در همه فصول سال درآمد ندارند، اما برای سپری کردن زندگی همیشه مجبور به مصرف هستند. از این جهت است که در غالب مطالعاتی که در زمینه فقر و نابرابری صورت می گیرد از هزینه فرد یا خانوار به عنوان شاخصی برای اندازه گیری منابع در اختیار استفاده می شود. در این مطالعه نیز هزینه خانوار متغیری است که برای سنجش رفاه خانوار مدنظر قرار گرفته است.

۱۰- یافته ها

۱۰-۱- متوسط هزینه واقعی خانوارهای روستایی

هزینه خانوار شامل کلیه هزینه های مصرفی خوراکی و غیر خوراکی خانوار می باشد. هزینه به قیمت ثابت، معمولاً سطح زندگی و رفاه خانوار را نشان می دهد. با توجه به اینکه هزینه ها به عنوان متغیر جانشین درآمد در نظر گرفته شده است بنابراین اگر هزینه فرد به قیمت ثابت در طول سال های مختلف افزایش یابد یعنی فرد از کالاها و خدمات بیشتری استفاده کرده و رفاه وی افزایش یافته است. بر این اساس هزینه واقعی خانوار روستایی کشور نیز از ۱۵/۷ میلیون تومان در سال ۱۳۹۵ به ۱۲/۹ میلیون تومان در سال ۱۳۹۹ کاهش پیدا کرده است (کاهش حدود سه میلیون تومانی). اما در سال های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به ترتیب به ۱۳/۸ و ۱۳/۹ میلیون تومان افزایش پیدا کرده است. به عبارت دیگر قدرت خرید خانوارهای روستایی در این دو سال نسبت به سال ۱۳۹۹ افزایش داشته است. در مجموع قدرت خرید خانوارهای روستایی در سال های مورد بررسی کاهش قابل ملاحظه ای داشته است. نکته قابل تامل در این خصوص اختلاف زیاد هزینه واقعی در مناطق شهری و روستایی است. به طوری که هزینه واقعی خانوارهای روستایی تقریباً نصف خانوارهای شهری است.

جدول ۱- متوسط هزینه واقعی خانوارهای روستایی کشور به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵ - میلیون تومان

شرح	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	متوسط ۷ سال
روستایی	۱۵/۷	۱۶/۴	۱۵/۴	۱۳/۶	۱۲/۹	۱۳/۸	۱۳/۹	۱۴/۵
شهری	۲۸/۵	۳۰/۵	۲۸/۷	۲۵/۸	۲۴/۸	۲۶/۴	۲۷/۰	۲۷/۴

ماخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات محقق

۱۰-۲- شاخص‌های نابرابری

در جدول ۲ ضریب جینی بر اساس هزینه‌های ناخالص روستایی در مقایسه با خانوار شهری در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ کشور نشان داده شده است. همانگونه که در جدول نیز مشاهده می‌شود ضریب جینی در طی دوره دارای نوسان اما افزایشی بوده است. بر اساس محاسبات انجام شده ضریب جینی مناطق روستایی کشور از رقم ۰/۳۳۶۲ در سال ۱۳۹۵ به ۰/۳۶۴۳ در سال ۱۴۰۱ افزایش یافته که حاکی از بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد است. هرچند ضریب جینی روستایی کمتر از مناطق شهری است اما در مناطق شهری طی دو سال گذشته این ضریب کاهشی بوده است.

جدول ۲- ضریب جینی خانوارهای روستایی کشور در مقایسه با خانوار شهری

شرح	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	متوسط ۷ سال
روستایی	۰/۳۳۶۲	۰/۳۵۵۹	۰/۳۵۹۵	۰/۳۵۳۹	۰/۳۵۹۰	۰/۳۵۹۴	۰/۳۶۴۳	۰/۳۵۵۵
شهری	۰/۳۷۳۰	۰/۳۷۹۳	۰/۳۹۴۰	۰/۳۸۲۸	۰/۳۸۳۵	۰/۳۷۵۷	۰/۳۶۹۶	۰/۳۷۹۷

ماخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات محقق

جدول ۳ سایر شاخص‌های توزیع درآمد خانوارهای روستایی کشور را نشان می‌دهد. بر این اساس نسبت ده، بیست و چهل درصد پردرآمدترین به ده، بیست و چهل درصد کم درآمدترین جمعیت هم در مناطق روستایی در طول سال‌های مورد بررسی افزایش یافته اند که به معنی بدتر شدن توزیع درآمد در این مناطق می‌باشد.

شاخص پالما نسبت هزینه ده درصد پردرآمدترین جمعیت به هزینه چهل درصد کم درآمدترین جمعیت است. این شاخص نیز روند افزایش داشته است به طور که در سال

۱۴۰۱ در مناطق روستایی به ۱/۶۲ رسیده است. به عبارت دیگر در سال ۱۴۰۱ هزینه دهک دهم (پردرآمدترین دهک) در مناطق روستایی حدود ۱/۶ برابر مجموع هزینه چهار دهک پایین (کم درآمدترین دهک) است.

شاخص تایل بر مفهوم آنتروپی استوار است و آنتروپی به مفهوم اطلاع انتظاری توزیع است. این شاخص نیز مانند ضریب جینی هر چه به صفر نزدیک تر باشد نشان دهنده برابری بیشتر است. با توجه به جدول ۳ مقادیر این شاخص نیز بیانگر بدتر شدن توزیع درآمد طی این سال ها می باشد. شاخص اتکینسون نیز بر مفهوم میزان اجتناب از نابرابری استوار است. اتکینسون به رابطه بین کارایی و نابرابری توجه می کند و معتقد است شاخص نابرابری باید به نحوی طراحی شود که به کمک آن بتوان تشخیص داد که جامعه برای کاهش نابرابری به یک میزان معین حاضر است چه مقدار از درآمد و تولید جاری چشم پوشی نماید. این شاخص نیز مانند تایل و جینی هر چه به صفر نزدیکتر باشد نشان دهنده برابری بیشتر است. این شاخص نیز طی دوره مورد بررسی افزایش و به معنی بدتر شدن توزیع درآمد در مناطق روستایی می باشد.

جدول ۳- سایر شاخص های توزیع درآمد خانوارهای روستایی کشور

سال	نسبت هزینه ده درصد پردرآمدترین به ده درصد کم درآمدترین جمعیت	نسبت هزینه بیست درصد پردرآمدترین به بیست درصد کم درآمدترین جمعیت	نسبت هزینه چهل درصد پردرآمدترین به چهل درصد کم درآمدترین جمعیت	شاخص پالما	شاخص تایل	شاخص اتکینسون
۱۳۹۵	۹/۲۵	۵/۷۸	۳/۳۴	۱/۳۸	۰/۱۸۷۱	۰/۱۷۱۲
۱۳۹۶	۱۰/۳۵	۶/۳۷	۳/۲۸	۱/۵۴	۰/۲۱۲۶	۰/۱۸۹۹
۱۳۹۷	۱۰/۶۸	۶/۴۷	۳/۶۳	۱/۵۷	۰/۲۱۷۴	۰/۱۹۳۸
۱۳۹۸	۱۰/۰۴	۶/۲۳	۳/۵۶	۱/۵۳	۰/۲۱۰۳	۰/۱۸۷۳
۱۳۹۹	۱۰/۵۴	۶/۴۵	۳/۶۳	۱/۵۶	۰/۲۱۶۱	۰/۱۹۳۰
۱۴۰۰	۱۰/۷۶	۶/۵۲	۳/۶۴	۱/۵۷	۰/۲۱۶۴	۰/۱۹۴۲
۱۴۰۱	۱۰/۵۵	۶/۴۷	۳/۷۰	۱/۶۲	۰/۲۲۳۹	۰/۱۹۷۰

ماخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات محقق

۱۰-۳- شاخص رفاه اجتماعی سن

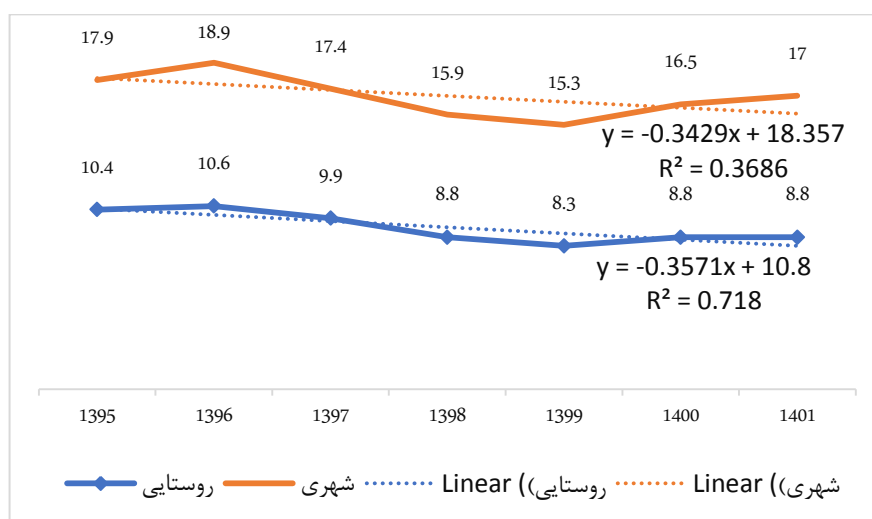
در جدول ۴ و شکل ۳ رفاه اجتماعی بر اساس شاخص سن با استفاده از روابط گفته شده برای مناطق روستایی و شهری کشور محاسبه گردیده است. نتایج این محاسبات بر اساس

شاخص ضریب جینی با استفاده از رابطه بیان شده و متوسط هزینه ناخالص (به جای متغیر درآمد) به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵ انجام شد. از آنجا که شاخص رفاه تحت تاثیر دو عامل نابرابری درآمد (ضریب جینی) و متوسط درآمد (هزینه) است، تفاوت شاخص رفاه در مناطق روستایی و شهری کشور ناشی از این دو عامل می باشد. بر این اساس مقدار این شاخص در مناطق روستایی از حدود ۱۰/۴ در سال ۱۳۹۵ با یک روند کاهشی به ۸/۸ در سال ۱۴۰۱ رسیده است. در مناطق شهری نیز همین وضعیت تکرار شده است هر چند طی سال های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ وضعیت بهتر شده است. آنچه در شکل ۲ قابل ذکر است از یک طرف روند نزولی رفاه خانوارهای روستایی طی دوره مورد بررسی و از طرف دیگر تفاوت بسیار زیاد رفاه اجتماعی خانوارهای روستایی از شهری است به طوری که تقریباً نصف می باشد.

جدول ۴- شاخص رفاه سن در مناطق روستایی کشور به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵ در مقایسه با مناطق شهری

شرح	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	متوسط ۷ سال
روستایی	۱۰/۴	۱۰/۶	۹/۹	۸/۸	۸/۳	۸/۸	۹/۴	
شهری	۱۷/۹	۱۸/۹	۱۷/۴	۱۵/۹	۱۵/۳	۱۶/۵	۱۷/۰	

ماخذ: محاسبات محقق



شکل ۳- شاخص رفاه سن در مناطق شهری و روستایی کشور

ماخذ: محاسبات محقق

جدول ۵ شاخص رفاه اجتماعی مناطق روستایی در استان های کشور را نشان می دهد. بر این اساس میانگین هفت سال مورد بررسی نشان می دهد در بین خانوارهای روستایی استان های کشور استان های یزد، البرز و مازندران بیشترین رفاه و استان های کرمان، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان کمترین رفاه را داشته اند. نکته قابل تامل در خصوص رفاه مناطق روستایی اینکه پراکندگی این شاخص که می تواند به عنوان نابرابری در رفاه شاخص شود. پراکندگی شاخص رفاه اجتماعی نشان می دهد که در مناطق روستایی با ۷۶ درصد افزایش از ۶/۱ در سال ۱۳۹۵ به ۱۰/۸ در سال ۱۴۰۱ رسیده است. این موضوع بیانگر افزایش نابرابری رفاه در بین استان های کشور است.

جدول ۵- شاخص رفاه اجتماعی مناطق روستایی در استان های کشور

شرح	۱۳۹۵		۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۴۰۰		۱۴۰۱		متوسط ۷ سال	
	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار
کل کشور	xx	۱۰/۴	xx	۱۰/۶	xx	۹/۹	xx	۸/۸	xx	۸/۳	۰	۸/۸	۰	۸/۸	۰	۱۰/۵
آذربایجان شرقی	۸	۱۲/۹	۱۱	۱۲/۳	۱۵	۱۱/۰	۹/۱	۱۷	۷/۷	۲۴	۸/۶	۱۹	۸/۵	۱۷	۱۰/۷	۱۶
آذربایجان غربی	۲۰	۱۰/۳	۱۷	۱۱/۱	۸/۹	۲۵	۸/۲	۲۵	۸/۳	۱۹	۱۱/۲	۸	۹/۵	۱۴	۱۰/۳	۲۲
اردبیل	۱۶	۱۱/۰	۱۲	۱۲/۰	۱۲/۱	۸	۱۰/۷	۹	۹/۶	۱۰	۸/۸	۱۸	۷/۵	۲۵	۱۰/۸	۱۵
اصفهان	۱۰	۱۲/۵	۷	۱۲/۹	۱۱	۱۱/۸	۱۱	۱۰/۳	۱۱	۱۰/۷	۷	۱۱/۳	۷	۱۱/۷	۷	۱۲/۸
البرز	۳	۱۴/۱	۳	۱۵/۲	۱	۱۶/۷	۱	۱۵/۹	۲	۱۴/۹	۲	۱۶/۶	۲	۱۶/۳	۲	۱۶/۵
ایلام	۲۵	۹/۲	۲۳	۱۰/۱	۹/۵	۲۲	۸/۴	۲۳	۷/۶	۲۵	۶/۹	۲۸	۶/۸	۲۸	۸/۹	۲۶
بوشهر	۹	۱۲/۵	۲	۱۶/۹	۱۳/۴	۴	۱۰/۹	۸	۱۲/۰	۵	۱۲/۵	۵	۱۲/۶	۶	۱۳/۹	۵
تهران	۴	۱۴/۰	۴	۱۴/۶	۱۳/۱	۶	۱۲/۶	۴	۱۳/۶	۴	۱۴/۵	۳	۱۵/۱	۴	۱۵/۳	۴
چهارمحال و بختیاری	۲	۱۴/۷	۱۱/۸	۱۳	۱۰/۷	۱۶	۸/۷	۲۰	۸/۲	۲۰	۹/۲	۱۷	۹/۸	۱۳	۱۱/۱	۱۳
خراسان جنوبی	۲۹	۷/۶	۶/۶	۳۰	۶/۰	۳۰	۵/۵	۳۰	۵/۶	۲۹	۵/۶	۲۹	۵/۸	۲۹	۷/۰	۳۰
خراسان رضوی	۱۸	۱۰/۹	۱۹	۱۰/۶	۹/۹	۱۹	۸/۴	۲۴	۷/۹	۲۲	۹/۴	۱۶	۸/۱	۲۲	۱۰/۶	۱۸
خراسان شمالی	۲۷	۹/۰	۲۸	۸/۷	۸/۲	۲۷	۷/۴	۲۸	۵/۰	۳۰	۴/۹	۳۱	۵/۷	۳۰	۷/۶	۲۸
خوزستان	۵	۱۳/۵	۸	۱۲/۷	۱۲/۰	۹	۱۰/۵	۱۰	۹/۸	۹	۹/۶	۱۳	۱۰/۴	۱۰	۱۱/۷	۹
زنجان	۱۹	۱۰/۴	۱۶	۱۱/۲	۱۱/۸	۱۲	۹/۴	۱۵	۹/۰	۱۵	۱۰/۸	۹	۱۲/۶	۵	۱۱/۶	۱۰
سمنان	۲۴	۹/۶	۲۴	۹/۹	۸/۲	۲۸	۷/۵	۲۷	۸/۷	۱۷	۸/۳	۲۱	۷/۹	۲۳	۹/۲	۲۵
سیستان و	۳۱	۶/۰	۳۱	۶/۲	۴/۹	۳۱	۵/۳	۳۱	۴/۸	۳۱	۵/۰	۳۰	۵/۶	۳۱	۶/۲	۳۱

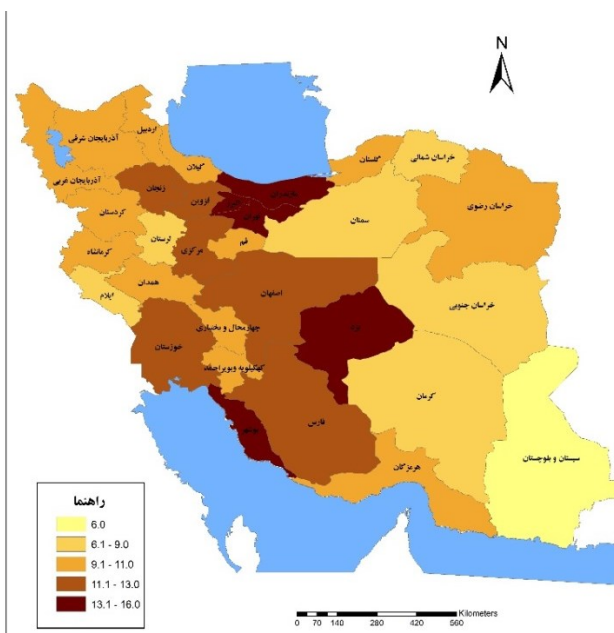
شرح	۱۳۹۵		۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۴۰۰		۱۴۰۱		متوسط ۷ سال	
	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار
بلوچستان																
فارس	۱۱/۸	۱۲	۱۱/۱	۱۸	۱۱/۷	۱۳	۹/۵	۱۳	۸/۴	۱۸	۹/۸	۱۲	۱۰/۰	۱۲	۱۱/۶	۱۱
قزوین	۱۳/۲	۶	۱۳/۰	۶	۱۳/۲	۵	۱۱/۵	۵	۱۰/۲	۸	۹/۸	۱۱	۱۰/۴	۹	۱۲/۵	۷
قم	۹/۶	۲۳	۹/۵	۲۷	۹/۵	۲۱	۹/۵	۱۴	۹/۴	۱۱	۱۰/۰	۱۰	۹/۴	۱۵	۱۰/۴	۲۰
کردستان	۱۱/۷	۱۳	۱۱/۵	۱۴	۱۰/۵	۱۸	۸/۹	۱۹	۹/۴	۱۲	۸/۳	۲۰	۸/۳	۱۹	۱۰/۶	۱۷
کرمان	۶/۵	۳۰	۷/۱	۲۹	۶/۸	۲۹	۶/۲	۲۹	۷/۰	۲۸	۷/۶	۲۶	۷/۲	۲۷	۷/۵	۲۹
کرمانشاه	۱۲/۴	۱۱	۱۲/۶	۹	۱۱/۸	۱۰	۱۰/۲	۱۲	۹/۱	۱۳	۹/۴	۱۵	۸/۳	۲۰	۱۱/۳	۱۲
کهگیلویه و بویراحمد	۱۱/۲	۱۴	۱۲/۴	۱۰	۱۱/۵	۱۴	۸/۶	۲۱	۸/۱	۲۱	۸/۲	۲۲	۷/۶	۲۴	۱۰/۳	۲۱
گلستان	۸/۸	۲۸	۹/۸	۲۵	۹/۸	۲۰	۹/۰	۱۸	۷/۹	۲۳	۷/۸	۲۵	۸/۲	۲۱	۹/۵	۲۴
گیلان	۱۰/۹	۱۷	۱۰/۵	۲۰	۹/۲	۲۳	۸/۵	۲۲	۸/۷	۱۶	۹/۵	۱۴	۹/۲	۱۶	۱۰/۵	۱۹
لرستان	۱۰/۰	۲۱	۱۰/۱	۲۲	۸/۵	۲۶	۸/۰	۲۶	۷/۴	۲۶	۷/۳	۲۷	۷/۲	۲۶	۸/۸	۲۷
مازندران	۱۵/۸	۱	۱۷/۲	۱	۱۵/۰	۲	۱۳/۹	۳	۱۴/۳	۳	۱۴/۵	۴	۱۵/۷	۳	۱۵/۹	۳
مرکزی	۹/۹	۲۲	۱۰/۴	۲۱	۱۰/۵	۱۷	۱۰/۹	۶	۱۱/۵	۶	۱۲/۱	۶	۱۰/۸	۸	۱۲/۱	۸
هرمزگان	۹/۱	۲۶	۱۱/۲	۱۵	۱۲/۴	۷	۱۰/۹	۷	۹/۰	۱۴	۸/۱	۲۴	۸/۵	۱۸	۱۰/۸	۱۴
همدان	۱۱/۰	۱۵	۹/۸	۲۶	۹/۰	۲۴	۹/۴	۱۶	۷/۴	۲۷	۸/۲	۲۳	۱۰/۳	۱۱	۱۰/۳	۲۳
یزد	۱۳/۱	۷	۱۳/۹	۵	۱۴/۱	۳	۲۰/۶	۱	۱۹/۱	۱	۱۷/۹	۱	۱۹/۷	۱	۱۶/۳	۲

ماخذ: محاسبات محقق

شکل ۴ نمایش فضایی میانگین هفت سال شاخص رفاه اجتماعی مناطق روستایی استان‌های کشور را نشان می‌دهد. به طور کلی می‌توان گفت که رفاه اجتماعی در مناطق روستایی استان‌های مرزی، کمتر از میانگین کشور بوده است. از طرف دیگر شاخص رفاه استان‌هایی که در مرکز کشور قرار دارند بیشتر از میانگین کشور بوده‌اند.

۱۱- بحث و نتیجه‌گیری

در کشور ما روند توسعه و زیرساخت‌های آن، تفاوت‌های شدیدی را در نواحی جغرافیایی مختلف آشکار کرده است و از آنجایی که اهداف کلی برنامه‌ریزی منطقه‌ای یا توسعه اقتصادی، توزیع عادلانه رفاه و ثروت در بین مردم جامعه است، برای دستیابی به هدف‌های فوق در هر جامعه‌ای نیاز به شناخت میزان نابرابری درآمد و میزان رفاه اجتماعی ضروری است. در این مطالعه سعی شده است با استفاده از آخرین اطلاعات و



شکل ۴- نمایش فضایی میانگین هفت سال شاخص رفاه اجتماعی مناطق روستایی استان های کشور

همچنین شاخص های مختلف وضعیت نابرابری در آمدی و رفاه اجتماعی در خانوارهای روستایی محاسبه و بررسی گردد. بر اساس نتایج تحقیق، ضریب جینی خانوارهای روستایی در طی سال های مورد بررسی (۱۴۰۱-۱۳۹۵) افزایش یافته است. همچنین رفاه اجتماعی نیز طی همین دوره کاهش یافته است. هر چند طی دو سال اخیر اندکی افزایش داشته است. از طرف دیگر افزایش نابرابری در رفاه بین مناطق مختلف کشور از دیگر نتایج تحقیق است به طوری که در برخی از مناطق روستایی کشور بخصوص مناطق مرزی و از جمله جنوب شرق کشور به مراتب پایین تر از مناطق مرکزی کشور است. به طور کلی بررسی شاخص های نابرابری و رفاه در مناطق روستایی کشور و استان ها حاکی از آن است که علی رغم درگیری نهادها و سازمان های مختلف با این مسئله، این پدیده همچنان یکی از جدی ترین معضلات این مناطق است. در سال های اخیر، افزایش هزینه های زندگی مردم به دلیل نوسانات اساسی و نرخ تورم بالا و افزایش بیکاری که ناشی از رکود اقتصادی در کشور بوده است باعث بدتر شدن وضعیت معیشت گروه های پایین درآمدی شده است. زیرا در این دهک ها سهم درآمد ناشی از کار بالاتر از درآمد ناشی

از دارایی بوده و با بدتر شدن وضعیت اقتصاد، آثار ناخوشایند اقتصاد در زندگی آن‌ها بیشتر نمود پیدا کرده است که در نتیجه ضریب جینی افزایش و شکاف بین دهک‌های درآمدی مختلف بیشتر شده است.

از یافته‌های مطالعه می‌توان اینگونه فرض کرد که اقدامات صورت گرفته در راستای بهبود شاخص توسعه انسانی بخصوص در بهداشت و آموزش، کمک چندانی به افزایش رفاه نکرده است. از سوی دیگر اقدام دولت در زمینه‌ی پرداخت یارانه‌ای (قانون هدفمندی یارانه‌ها و کمک معیشتی خانوار) نیز اثر معناداری در بهبود توزیع درآمد و افزایش رفاه خانوارهای کشور به‌ویژه فقرا نداشته است. دلیل این امر را می‌توان در عدم شناسایی درست گروه‌های هدف، پرداخت یکسان مبلغ یارانه نقدی به کلیه افراد و نیز کاهش قدرت خرید یارانه‌های پرداختی به واسطه تورم‌های قیمتی، جستجو کرد. نتایج دریافتی از طرح‌های آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای روستایی نشان می‌دهد سهم درآمد یارانه نقدی از کل درآمد یک خانوار روستایی کمتر از ۶ درصد بوده است. نابرابری در دریافتی‌ها، توزیع نامناسب منابع حاصل از یارانه‌ها، تأثیرپذیری منابع مالی حمایتی دولتی از نوسانات غیرقابل پیش‌بینی قیمت نفت، متعادل نبودن میزان بهره‌مندی اقشار آسیب‌پذیر و محروم جامعه از یارانه‌ها، از جمله مهم‌ترین چالش‌های اساسی این حوزه است که باید مدنظر سیاست‌گذاران قرار گیرد. با توجه به یافته‌های مقاله بسیاری از مناطق روستایی استان‌های کشور بخصوص استان‌های حاشیه‌ای نسبت به متوسط کشور وضعیت رفاهی مطلوبی ندارند و عدم تعادل منطقه‌ای معناداری بین استان‌ها نیز مشاهده می‌گردد. عدم توجه به فراگیری رشد اقتصادی به معنای فراهم کردن فرصت‌های برابر برای همگان جهت مشارکت در ایجاد رشد اقتصادی و بهره‌مندی از مواهب رشد، پایین بودن تحرک درآمدی در دهک‌های پایین درآمدی، وجود شاغلین با درآمد پایین، ضعف در مکانیزم‌های نظارت و ارزیابی اثربخشی در طرح‌های حمایتی و اشتغالزایی، نبود برنامه‌ریزی مرکزی در زمینه فعالیت‌های حمایتی، اشتغالزایی و کاهش فقر، مهاجرت‌های نامناسب و برنامه‌ریزی نشده درون‌کشوری و برون‌کشوری، نرخ رشد بالای جوانان در سن کار بیکار یا خارج از بازار کار، افزایش ناگهانی و بی‌رویه نرخ ارز و انتظارات تورمی حاصل از آن و عدم توجه به ارتقا سطح اقتصادی و اجتماعی مناطق در افزایش ضریب دسترسی به زیرساخت‌های اساسی و عوامل خارجی به‌ویژه تحریم‌های اقتصادی از جمله دلایل نابرابری و کاهش رفاه در کشور می‌باشد.

از این رو با توجه به نتایج تحقیق و تجربه کشورهای موفق در زمینه کاهش نابرابری و ارتقای رفاه، ضروری است راهکارهای زیر در دستور کار سیاست‌گذاران و مدیران قرار گیرد:

۱- تدوین برنامه جامع کاهش فقر در کشور با مشارکت کلیه دستگاه‌های اجرایی متولی با اولویت مناطق روستایی مرزی: هدف از تدوین برنامه جامع کاهش فقر، هماهنگ سازی دستگاه‌ها برای رسیدن به اهداف قابل دسترسی از طریق برنامه‌های کارشناسی شده کاهش فقر است. تدوین این سند می‌تواند اهداف مورد اتفاق دستگاه‌ها در مقابله با فقر را مشخص نماید، ارزیابی از سیاست‌های کاهش فقر فراهم نماید، به تخصیص بهینه منابع کمک کند و از همپوشانی فعالیت‌ها جلوگیری به عمل آورد؛

۲- تأکید بر اجرای برنامه‌های اشتغالزا و تولیدمحور در قیاس با سیاست‌های صرفاً بازتوزیعی (مثل یارانه غذا و یارانه نقدی و...): از آنجایی که نیروی کار تنها دارایی اکثر فقراست، افزایش درآمد فقرا از طریق ایجاد اشتغال مولد می‌تواند اصلی‌ترین راه مقابله با فقر باشد. در حال حاضر ترکیبی از نرخ بالای بیکاری و افزایش سهم اشتغال غیررسمی با مزدهای پایین از عوامل مهم بالا رفتن نسبت جمعیت زیر خط فقر در کشور است. به همین جهت شناسایی اجرای برنامه‌های اشتغال‌زا و اعمال سیاست‌های مناسب برای تسریع آهنگ رشد اشتغال از جمله راهکارهای اساسی برای کاهش فقر خواهد بود؛

۳- اجرای سیاست‌های کنترل تورم: می‌توان مدعی شد که تورم و فقر دو روی سکه هستند که تعامل آن‌ها می‌تواند موجبات ناامنی گسترده در جامعه را فراهم کند. تورم با ایجاد نااطمینانی، مانع از تشکیل پس انداز و سرمایه‌گذاری شده، توزیع درآمد در جامعه را به نفع ثروتمندان و به زیان گروه فقیر تغییر می‌دهد، همچنین نابرابری را افزایش داده و مانع بزرگی در جهت اتخاذ تصمیمات صحیح اقتصادی بوجود می‌آورد. اداره‌کنندگان امور اقتصاد باید بدانند هیچ اقتصادی با وجود تورم، نمی‌تواند مراحل توسعه یافتگی را طی کند، چون توسعه در بستر عدالت شکل می‌گیرد و تورم نقطه مقابل عدالت است. از این رو با اجرای سیاست‌های پولی و مالی لازم ابتدا تورم کنترل و سپس کاهش یابد؛

- ۴- آموزش اقشار آسیب‌پذیر در راستای توانمندسازی، ارتقاء مهارت‌ها و افزایش شانس آن‌ها برای جذب در بازارکار: در کنار آموزش‌های رسمی، مهارت‌آموزی به عنوان سیاستی برای توانمندسازی و خروج از فقر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برنامه‌های مهارت‌آموزی به دنبال ارتقای سطح مهارت بیکاران و افزایش شانس یافتن شغل است. هماهنگی میان ارائه‌کنندگان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و توجه به نیازهای بازارکار در ارائه برنامه‌های مهارت‌آموزی جدید حائز اهمیت است. علاوه بر آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، جوانان جویای کار به مهارت‌های نرم مانند روش‌های ایجاد ارتباط و توان حل مسئله نیازمندند. کسب این مهارت‌ها به توان اشتغال آنان یاری می‌رساند؛
- ۵- توجه به توسعه همه مناطق روستایی کشور بخصوص مناطق حاشیه‌ای: از آنجا که در سنجش رفاه بر دو متغیر نابرابری و درآمد (هزینه) تاکید شده است، برای حل مساله عدم تعادل منطقه‌ای می‌توان دو دسته از سیاست‌ها را پیشنهاد نمود. یکی سیاست‌های کوتاه مدت (کاهش نابرابری بین استان‌ها) و دیگری سیاست‌های بلندمدت (افزایش درآمد سرانه) است. در مورد سیاست‌های بلندمدت نیاز به برنامه‌ریزی فضایی و منطقه‌ای الزامی است، لذا جهت متعادل و متوازن ساختن توسعه مناطق مختلف، رویکرد مبتنی بر توسعه همه جانبه بر مبنای قابلیت‌ها، مزیت‌های نسبی، توانمندی‌ها و محدودیت‌های منطقه‌ای ضروری به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر بایستی الگوی توسعه مبتنی بر آمایش سرزمین با استناد بر توازن منطقه‌ای و افزایش استانداردهای رفاهی دنبال شود. در زمینه سیاست‌های کوتاه مدت، دولت می‌تواند با اتخاذ سیاست‌های باز توزیعی مناسب، وضعیت نابرابری در میان استان‌ها و در درون استان‌های مختلف را بهبود ببخشد؛
- ۶- حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد برای تسهیل ارتباط میان جوامع محلی و نهادهای اجرایی در برنامه جامع کاهش فقر؛
- ۷- پایش مداوم طرح‌های تسهیلات اعطایی اعم از حمایتی و اشتغال در جلوگیری از هدر رفت منابع و کاهش فقر؛
- ۸- توجه به جنبه‌های مختلف فقر از جمله فقر آموزشی، فقر سلامت و فقر زیرساخت؛
- ۹- بهبود محیط کسب و کار برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی؛

- ۱۰- تمرکز بر برنامه‌های افزایش ظرفیت تولید داخلی، کاهش واردات کالاهای قابل تولید در داخل؛
- ۱۱- حذف زمینه‌های فساد و رانت در دستگاه‌های دولتی و عمومی و خصوصی؛
- ۱۲- هماهنگ سازی حقوق و درآمد کارکنان قوای سه گانه و حذف شکاف‌های درآمدی ناعادلانه.

توضیحات

1. Social Welfare
2. Fitzpatrick T
3. Rawls J
4. Harvey D
5. Smith
6. Adebawale & Chuks
7. Gini Coefficient
8. Lorenz Curve
9. Lorenz
10. Gini C
11. Atkinson T
12. Theil Index
13. Atkinson Index
14. Palma Index
15. Sen
16. Malkina

مرجع‌ها

- [۱] ابراهیمی، سعید؛ صادقی، سیدکمال؛ بهشتی، محمدباقر؛ و رنج پور، رضا (۱۳۹۶).
 برآورد شاخص‌های نابرابری شهری و روستایی استان‌های ایران طی برنامه‌های توسعه
 پنج ساله. برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۱۶۹-۲۰۰.

- [۲] تودارو، مایکل (۱۳۹۱). توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه غلامعلی فرجادی، انتشارات کوهسار، تهران.
- [۳] جمشیدی، رضاف؛ و سلیمی فر، مصطفی (۱۳۹۲). بررسی و مقایسه توزیع درآمد خانوارهای شهری و روستایی استان خراسان رضوی و کشور طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵. اقتصاد و توسعه کشاورزی، دوره ۲۷، شماره ۳، صص ۲۵۳-۲۶۶.
- [۴] شهیکی تاش، محمد نبی؛ یغفوری، حسین؛ و درویشی، باقر (۱۳۹۴). بررسی شدت عدم تعادل فضایی و منطقه ای رفاه در استان های ایران (مطالعه مقایسه ای رفاه مبتنی بر دیدگاه هاروی و اسمیت). فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه ریزی منطقه ای، دوره ۱۷، شماره ۱، صص ۱۵-۳۰.
- [۵] عربی، مصطفی؛ خداپرست مشهدی، مهدی (۱۳۹۳). مقایسه معیارهای رفاه اجتماعی، توزیع درآمد و فقر خانوارهای روستایی استان خراسان شمالی و کشور طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۰. راهبردهای توسعه روستایی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۳۵-۵۰.
- [۶] علیزاده، محمد؛ نعمتی، غلامرضا؛ فطرس، محمدحسن؛ خداوردی سامانی، مریم؛ کبیری، دینا (۱۴۰۱). شناسایی عوامل موثر بر رفاه اجتماعی ایران تحت نا اطمینانی: رویکرد متوسط گیری بیزی. اقتصاد باثبات، دوره ۳، شماره ۱، صص ۶۱-۹۷.
- [۷] فیتزپتریک، تونی (۱۳۸۱). نظریه های رفاه. ترجمه: هرمز همایون پور. موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی و گام نو، تهران.
- [۸] قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵.
- [۹] مرکز آمار ایران، گزارش توزیع درآمد سال ۱۴۰۱.
- [۱۰] مرکز آمار ایران، گزارش هزینه-درآمد خانوار سال های ۹۵ تا ۱۴۰۱.
- [۱۱] مهدویان، سید محمدرضا؛ و اسفندیاری، مرضیه (۱۳۹۷). بررسی وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران. راهبرد توسعه، دوره ۵۳، صص ۷۹-۱۰۰.
- [۱۲] میرزائیان، بتول؛ رحمانی، بیژن؛ رضویان، محمدتقی؛ فرجی راد، عبدالرضا (۱۳۹۷). تحلیل اثربخشی مؤلفه های اقتصادی در رفاه خانوارهای روستایی مورد: بخش مرکزی شهرستان اسلام آباد غرب. اقتصاد فضا و توسعه روستایی. ۷ (۲۳): ۱۱۳-۱۳۰.
- [13] Adebawale, H.A., and Chuks, E. (2020). Welfare implications of information and communication technology diffusion in sub-saharan AFRICA. *Nigerian Journal of Economic and Social Studies*, 62(3), 296-315.

- [14] Hewstone, B. and Strobe, W. (2001). *Introduction to social psychology*. Blackwell publishers, Third edition.
- [15] Kakwani, N. and Son, H.H. (2015). *Income inequality and social well-being*. Working Paper Series, ECINEQ WP 380, 1-55.
- [16] Malkina, M. (2017). Assessment of inter-regional convergence in the social welfare based on the a. sen function: Russian case study. *Journal of Economic and Social Development*, 4(1), 50-60.
- [17] Taylor, G. (2007). *Ideology and Welfare*. Basingstoke: Palgrave Macmillan. *Journal of Social Policy*, 37(3).
- [18] World Bank (2018). *World Development Indicators*. World Bank.

محمدحسین امجدی

دکتری اقتصاد

کرمان، سازمان برنامه و بودجه استان کرمان.

رایانشانی: mhamjadi@gmail.com

محمدرضا وحیدی

دانشجوی دکتری اقتصاد

کرمان، سازمان برنامه و بودجه استان کرمان.

رایانشانی: mrvahidi@gmail.com

مهرداد محمدی سلیمانی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

کرمان، سازمان برنامه و بودجه استان کرمان.

رایانشانی: mehrdadsolymani.m@gmail.com